یادداشت سردبیر



امین مالکی
هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

با بیان تجربه‌های مختلف سیاست صنعتی، اگر امروز مبتنی بر ۷۰ سال تجربه بخواهیم به این سوال پاسخ دهیم که «چگونه سیاست صنعتی را عامل شکوفایی کنیم؟» ده مولفه قابل ذکر است: ۱- گزینش محدود: گزینش صنایع اندکی برای شکوفایی و پرهیز از انتخاب تعداد صنایع زیاد برای حمایت، ۲- پیوند فن‌آوری: انتخاب صنایعی که منافع و پیوندهای فن‌آوری قابل‌توجه‌ای داشته باشند، ۳- صادرات: ناگزیر کردن صنایع برای ورود به بازارهای جهانی در کمترین زمان ممکن و استفاده از اهرم صادرات برای نظم‌بخشی و نظارت بر بوروکرات‌ها و شرکت‌ها، ۴- ماموریت‌محوری: اعطای نقش رهبری در صنایع ساخت‌محور به شرکت‌های خصوصی و اعطای نقش پرکردن شکاف‌ها و ورود به فعالیت‌های پرخطر به شرکت‌های دولتی، ۵- مداخلات: سرمایه‌گذاری در ایجاد مهارت، زیرساخت‌ها و نهادهای پشتیبان، که همگی به دقت با مداخلات در بازارهای محصول هماهنگ باشند، ۶- سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی: درک اهمیت بالای ظرفیت بالای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم داخلی و بهره‌گیری حداکثری از سرمایه‌گذاری داخلی با هدایت و هدفمندی و کاهش مخاطرات آن در کنار ارتقاء سهم ارزش افزوده داخلی ایجاد نشده ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، ۷- انباره تجربه بومی: تدبیر نظامی برای ثبت اطلاعات صنعتی به ویژه ثبت مستندات تجارب شکست رهبران فناوری و ایجاد انباره تجربه محلی برای کشور در نظام برنامه‌ریزی صنعتی برای عدم تکرار و پایین‌آوردن اتلاف منابع، ۸- اصلاح سریع اشتباه: اصلاح سریع اشتباهات و فرهنگ‌سازی جسارت مدیریتی برای اعلام اشتباه، ۹- مشارکت بخش خصوصی: در تدوین و اجرای سیاست صنعتی و ۱۰- بالادستی شدن سیاست صنعتی: تدبیر سیاست صنعتی در سطوح عالی دولتی و اتخاذ تصمیم‌گیری‌های راهبردی متمرکز در مراجع بالادستی. سیاست‌های صنعتی حتی در صورت طراحی صحیح آبستن ایجاد شش بحران اساسی بوده‌اند که در کشورهای در حال توسعه مکررا به وقوع پیوسته است: ۱- بحران بدهی و بحران ارزی با دوره جایگزینی واردات طولانی: اگر راهبرد جایگزینی واردات بیش از دو دهه به طول بیانجامد به علت مصروف کردن منابع زیاد ارزی بابت پیشی گرفتن واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه از صادرات، کشور را یا دچار بحران ارزی یا دچار بحران بدهی خارجی می‌کند. برزیل، مکزیک و ترکیه در دهه ۱۹۸۰ شاهد مثال این تجربه مخرب هستند. کشورهای نفتی بحران ارزی را مدیریت می‌کنند اما بحران بدهی هم برای آنها حتمی است، ۲- بحران بهره‌وری پایین عوامل تولید با دوره توسعه صادرات طولانی: این راهبرد در کشورهای دارای توان خلق ارزش افزوده ضعیف (مانند ایران) گرچه ابتدا سبب افزایش توان رقابت‌پذیری بین‌المللی می‌شود اما از آنجا که کشورها در بخش‌های با ارزش‌افزوده کم زنجیره قرار می‌گیرند (کره‌جنوبی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، چین دهه ۱۹۸۰، ترکیه دهه ۲۰۰۰)، ادامه طولانی‌مدت این موقعیت می‌تواند به بحران سطوح پایین بهره‌وری عوامل تولید و بحران بدهی منجر شود. توجه به ارتقای ارزش‌افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری و نوآوری و لذا حرکت به سمت بخش‌های با ارزش‌افزوده بالاتر در زنجیره الزامی است. لازم است در سیاست صنعتی بلافاصله پس از قرار گرفتن در زنجیره، سیاست‌ها به سمت ارتقای فناوری و حرکت به سمت تولیدات با ارزش‌افزوده بالاتر تغییر جهت دهند (کره‌جنوبی دهه ۱۹۸۰)، ۳- بحران ورشکستگی صنایع با دوره آزادسازی مدیریت نشده: نتیجه‌بخشی سیاست‌های

رقابتی‌سازی، خصوصی‌سازی، اصلاح تعرفه و اصلاح قیمت در گرو اتخاذ هم‌زمان سیاست‌های صنعتی هوشمندانه در اعطای مشوق‌ها و یارانه‌ها است (ترکیه، برزیل و مکزیک دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و آفریقای جنوبی تا ۲۰۰۷)، ۴- بحران مقیاس تولید با توسعه بسته زنجیره ارزش داخلی: توسعه زنجیره‌های ارزش داخلی به علت عدم صرفه در مقیاس بر روی بهره‌وری عوامل تولید اثر منفی دارد و توسعه زنجیره‌های ارزش داخلی با رویکرد جایگزینی واردات در بلندمدت تنها سبب عمیق‌تر شدن بحران بدهی، کاهش بهره‌وری و رقابت‌پذیری صنعتی می‌شود (کره‌جنوبی دهه ۱۹۷۰ در توسعه زنجیره ارزش صنایع سنگین متکی بر ارتقای توان صادراتی بخش‌های جدید)، ۵- بحران سهم بازار با جذب سرمایه‌گذاری خارجی بدون ارتقاء فناوری: اگر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی راهبرد جانمایی زنجیره نباشد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد جایگزینی واردات ابتدا سبب ارتقاء توان اولیه تولیدی اما در ادامه سبب بحران بدهی و از دست رفته سهم بازار داخلی می‌شود. عمده توفیق کشورها در صورتی حاصل می‌شود که به‌صورت هم‌زمان توسط دولت‌ها سرمایه‌گذاری مناسبی در ارتقای زیرساخت‌های فناوری و نوآوری در شرکت‌های داخلی انجام شود (تجربه صنعت خودروی برقی چین در ۲۰۲۰ به بعد)، ۶- بحران سیاسی با تمرکز بر بنگاه‌های بزرگ صنعتی و غیرفراگیری سیاست‌ها: تمرکز صرف بر برخی صنایع سرمایه‌بر می‌تواند سبب افزایش نابرابری‌های اجتماعی و به دنبال آن بحران‌های اجتماعی شود به‌ویژه در مواردی که این موضوعات با فساد گسترده دولتی نیز همراه گردد. از این رو کشورهای موفق در اسناد سیاستی خود، به‌صورت هم‌زمان به توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط اهتمام ورزیده‌اند.

در این شماره که به همت ریاست محترم موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و مدیر مسئول محترم مجله بیرون می‌آید، فصل ترکیب این اصول را علتی ظاهر بود و ترتیب این فصول را برهانی باهِر، خنده این برق بی طربی و خروش این رعد بی تَعَبی نبود. به واقع سعی شد تا با بیان نظام فکری «فواد حسن‌اف» در سیاست صنعتی واقعی که بیش از همه جایگاه نوآوری و فناوری را مورد تاکید قرار می‌دهد و همچنین شرحی مبسوط بر نظرات «کئون لی» که به نوعی مکمل دایره فکری «فواد حسن‌اف» در نحوه مکمل قرار دادن سیاست‌های نوآوری و سیاست‌های صنعتی است، انتظام بیشتری به پشتوانه‌های نظری توصیه‌های سیاستی برای اقتصاد ایران داده شود. علاوه بر این دو مبحث، در قسمت نشست و گفتگوی اقتصاددانان، طی دو نشست به آخرین مباحث پیرامون نسل چهارم سیاست‌های صنعتی که امروز در آمریکا به اجرا درآمده و جنگ جهانی یارانه‌ها اشاره شده است.

مرد باید که باب مقصد خویش / می‌گشاید بعقل و می‌بندد
رفتن بی‌مراد، نستاید / گفتن بر گزاف نپسندد
ابر باشد که یافه می‌گرید / برق باشد که خیره می‌خندد

در انتها لازم است از زحمات دوست عزیز و همکار گرامی جناب آقای «مهدی کشاورزافشار» که کار صفحه‌آرایی و تنظیم امور هنری و گرافیکی مجله را بر عهده داشتند کمال تشکر و امتنان را داشته باشم. همچنین امید است همراهان و همکاران گرامی، در شماره‌های آتی نیز سواد دل ما را با شمع نور معرفت خود آشنایی دهند و در اَطباق اَحداق ما بکمال حکمت خود روشنایی بخشند.

امین مالکی / اسفند ۱۴۰۱